

روزشمار جنگ

چهارشنبه

۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۹

۲۱ جمادی الثانی ۱۴۰۰

۷ مه ۱۹۸۰

۳۲۵

تبعات حادثه طبس در امریکا قابل توجه است، بر اثر شکست عملیات طبس، بارها بر عدم تکرار حمله نظامی لاقبل در کوتاه مدت و قبل از پاسخ قطعی روش های دیگر، تأکید شده است، ضمن اینکه تقسیم و پخش شدن گروگان ها در سراسر ایران هرگونه حمله و اقدام نظامی محدود و سریع برای آزادی آنان را به طور اساسی منتفی می کند؛ در عین حال برخی دست اندرکاران قضیه، به دفاع مستقیم یا غیرمستقیم از آنچه گذشت می پردازند که تا حدی طبیعی هم هست، اما امروز، گزارشی از شبکه خبری امریکایی ای.بی.سی پخش شد که تا حد زیادی خلاف انتظار و دور از امکان تحقق به نظر می رسد و بیشتر کوششی برای خروج دولت امریکا از انفعال در افکار عمومی در آن می تواند مطرح باشد.

به گزارش آسوشیتدپرس، امروز، شبکه مزبور اعلام کرد: به فاصله یک هفته پس از نخستین تجاوز ناکام امریکا به ایران، کارتر به پنتاگون (وزارت دفاع امریکا) دستور داده است تا طرح های تازه ای را برای دومین حمله تحت عنوان "نجات گروگان های امریکایی" تدارک کند. به گزارش مزبور، این شبکه امریکایی گفته است در حالی که مقامات دولت کارتر وجود چنین نقشه هایی را انکار نمی کنند، اما این نکته را روشن کرده اند که امیدوارند با آزادی گروگان های امریکایی نیازی به آن نداشته باشند. با این حال، مقامات امریکایی معتقدند که جای جدید گروگان ها را می دانند و به محیط اطراف آن آشنا هستند و اعتقاد دارند که عملیات نجات جدید امکان پذیر است. مقاماتی که نخواسته اند نامشان افشا شود به شبکه ای.بی.سی گفته اند که متفرق کردن گروگان ها مفید بوده است زیرا پراکنده کردن گروگان ها معنی اش متفرق کردن نگهبانان آنها هم هست که در واقع به معنی ضعیف شدن عنصر خشن تری از میان دانشجویان پیرو خط امام است. ارتباط میان دانشجویان پیرو خط امام در نقاط مختلفی که گروگان ها را مستقر کرده اند ضعیف است و همین مسئله ضرورت زمان سنجی دقیق و چابکی بیش از حد نجات دهندگان را می کاهد و بالاخره شکست در یک عملیات به هیچ وجه شانس موفقیت در عملیات دیگری را ضعیف نمی کند.^۱

۳۲۶

باینکه مسئله مهم این روزها در نزد همه گروه‌ها و جریان‌های سیاسی انتخابات است، اما مسئله مبارزه با امریکا و حواشی آن در هر حال و همیشه جذابیت‌های خاص خود را دارد، به‌خصوص باتوجه به نوع برخورد با آن که عاملی برای افزایش یا کاهش مشروعیت تلقی می‌شود. امروز، سازمان مجاهدین خلق و حزب کارگران سوسیالیست، برخی ابهامات موجود در حاشیه واقعه طیس مربوط به عوامل داخلی همدست امریکا را که قبلاً مطرح شده بود،* باز هم در نشریات خود مطرح کردند. روزنامه جمهوری اسلامی نیز از آیت‌الله خلخالی مطلبی در این باره درج کرده است. سازمان مجاهدین خلق در شماره امروز ارگان خود مجاهد با عنوان "رادارهای محلی که نقاط کور را می‌پوشانند کجا بودند" نوشت: «پس از درج مقاله "چند سؤال درباره تهاجم نظامی امریکا"، عده‌ای از برادران درجه‌دار نیروی هوایی با ما تماس گرفتند و اعلامیه زیر را در اختیار ما قرار دادند، در توضیح این مطلب گفتند: ... این اعلامیه را که به وسیله عده‌ای از برادران درجه‌دار ما انتشار یافته است نزد مسئولین بردیم، ولی با کمال تعجب هیچ‌گونه پاسخی دریافت نداشتیم. پس از چاپ مقاله مجاهد در این زمینه مناسب دیدیم این اعلامیه را برای آگاهی مردم دلاور میهنمان در اختیار شما قرار دهیم تا در نشریه مجاهد به چاپ برسانید.»

این اعلامیه که با عبارت «به نام خداوند درهم کوبنده ستمگران. امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. (امام خمینی) با درود به رهبر کبیر انقلابمان، خمینی بت‌شکن و با امید به پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین. ملت مبارز و قهرمان ایران، چو ایران نباشد تن من مباد» شروع شده است، توضیحاتی بدین شرح در مورد سؤالات مطرح شده در مقاله مندرج در مجاهد ۱۳۵۹/۲/۱۴، داده است: «روز چهارشنبه ۱۳۵۹/۲/۵، به پایگاه یکم شکاری (پایگاه مادر) که توپ‌های ۲۳ میلی‌متری ما در آنجا مستقر بودند برای حفاظت و پاسداری از مرز هوایی فرودگاه و پایگاه دستور داده می‌شود که سریعاً توپ‌ها و رادارها را جمع کنید که درجه‌داران متخصص این دستگاه‌ها سؤال می‌کنند چرا؟ فرمانده گردان پدافند، سرگرد فریدون هراتیان اظهار می‌دارد که دستور از بالا آمده است، پرسنل درجه‌دار می‌گویند مگر می‌شود هواپیما و فرودگاه مهرآباد را بدون حفاظت گذاشت. آن سرگرد فرمانده یعنی هراتیان می‌گوید که من نمی‌دانم دستور داده‌اند توپ‌ها و رادارها باید جمع شود تا شما به مأموریت ویژه بروید. باتوجه به دستور فرمانده که می‌گوید اگر جمع نکنید ترمز حساب می‌شود و دادگاهی می‌شوید (یعنی باز هم اطاعت کورکورانه) پرسنل درجه‌دار با زور فرمانده دستگاه‌ها را جمع می‌کنند و در همان روز هم ما مطلع شدیم که این عمل در پایگاه‌های دیگر خارج از مرکز انجام شده است، پایگاه بابلسر و شیراز و ایستگاه رادار شهرآباد مشهد و... در این رابطه باند فرودگاه تهران و پایگاه شکاری تا روز

* از جمله در نشریه مجاهد شماره ۵۵ مورخ ۱۳۵۹/۲/۱۴، مقاله‌ای با عنوان "چند سؤال درباره تهاجم نظامی امریکا" درج شد که در روزشمار ۱۳۵۹/۲/۱۴، آورده شده است.

یکشنبه ۱۳۵۹/۲/۷ که جمعه‌اش [۱۳۵۹/۲/۵]، حمله امریکا اتفاق افتاد بدون مراقبت گذاشته شد و اکثریت هواپیماهای ما هم بدون استتار در باند مانده بودند و در این حال ما را به یاد بمباران هواپیماهای مصری انداخت که آنها را در باندهایشان بمباران کردند و نیروی هوایی آنها فلج شد، به هر حال تا روز یکشنبه که دو دستگاه توپ از پادگان آموزشی مهرآباد جنوبی آنجا بوده و مستقر کردند بدون رادار و روز دوشنبه یک دستگاه رادار هم به آنها دادند حالا ما از مسئولین ارتش و فرماندهان سؤال می‌کنیم که باتوجه به اینکه الآن روز چهارشنبه است ۱۳۵۹/۲/۱۰ و هنوز یک نفر از پرسنل به مأموریت ویژه کذایی نرفته‌اند چرا آن عمل را انجام دادید؟ آیا با برنامه روز جمعه امریکا ارتباطی ندارد؟» اعلامیه با این عبارت تمام شده است: «پیروز باد ایران زمین، نابود باد امپریالیسم امریکا و سرسپردگان داخلی آن، سرنگون باد حکومت مزدور عراق، پیروز [باد] مستضعفین.

درجه‌داران نیروی هوایی جمهوری اسلامی»^۲

امروز همچنین هفته‌نامه کارگر ارگان حزب کارگران سوسیالیست به تکرار برخی ابهامات پرداخت و نوشت: «پیش از این تهاجم ستاد نیروهای هوایی طی تلفن‌گرام شماره ۸-۷/۲-۱۳۰۳، ۱۳۵۹/۲/۴ به گردان پدافند زمین به‌هوای پایگاه یکم به واحدهای مستقر در شهرهای بزرگ دستور می‌دهد که بی‌درنگ همه توپ‌های زمین به‌هوا و آتشبارهای مستقر در پایگاه‌ها را جمع‌آوری کنند. این دستور سبب می‌شود که بیشتر فرودگاه‌ها و پایگاه‌های مردم ایران در شب عملیات نور سبز، عاری از دفاع ضد‌هوایی باشند. ... و باز درخور توجه است که چراغ‌های ورزشگاه امجدیه که در کنار مرکز جاسوسی قرار دارد و گویا به‌عنوان محل فرود هلیکوپترهای امریکایی انتخاب شده بود، در شب عملیات تا صبح روشن بوده است و رادارهایی که می‌توانستند ورود هواپیماها و هلیکوپترهای امریکایی را گزارش کنند از یک هفته پیش از کار افتاده بوده [است].»^۳

از سوی دیگر، ابهام دیگری (بمباران منجر به شهادت منتظران) در شیراز مطرح و جواب داده شد. خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی از شیراز گزارش داد: «آیت‌الله خلخالی که به شهر شیراز سفر کرده‌اند در یک گفت‌وگوی اختصاصی در مورد چگونگی بمباران هلیکوپترها گفت در زمانی که هواپیماهای ایران در آسمان بودند گیرنده‌های سپاه پاسداران درست کار نمی‌کرد و این اشکال باعث شهادت منتظران شد. وی افزود که بعضی‌ها مسائل را بررسی نمی‌کنند و می‌گویند ارتش و سران آن با مهاجمین دست داشته‌اند، در صورتی که این‌طور نیست زیرا داخل هلیکوپترها دستگاه‌های فرستنده کار می‌کردند و به گمان اینکه ممکن است به مجرد رسیدن قوای نظامی به نزدیک هلیکوپترها بمب‌ها منفجر شوند، آقای رئیس‌جمهور دستور بمباران آنها را صادر کردند و به‌نظر من سران ارتش و به‌خصوص تیمسار باقری بسیار خوب کار می‌کنند و اگر سران ارتش با مهاجمین همکاری می‌کردند آنها صددرصد موفق بودند، اما دیدیم که با این وضع فجیع فرار کردند.»^۴

۳۲۷

حمایت صدراعظم آلمان غربی، نامه ۵۰ تن از نمایندگان حزب کارگر در مجلس انگلستان و ابراز همکاری اقتصادی ژاپن با ایران، از جمله موارد قابل ذکر در ادامه حمایت‌های دیپلماتیک از امریکا در قضیه گروگان‌گیری می‌باشد که با فشارهای رسانه‌ای پررنگ‌تر می‌شود.

امروز، هلموت اشمیت صدراعظم جمهوری فدرال آلمان، در مصاحبه‌ای با روزنامه اکسپرس از اینکه منازعه و بحران بین ایالات متحده امریکا و ایران به علت گروگان‌گیری تا نقطه‌ای گسترش یابد که به کارگیری وسایل نظامی نیرومندتر به عنوان یگانه گام ممکن بعدی مورد توجه قرار بگیرد، ابراز نگرانی کرد. به گزارش بخش فارسی رادیو کلن، اشمیت در عین حال گفت که او به روش میانه‌رو و معتدل پرزیدنت کارتر اعتماد دارد. در این مصاحبه وی خاطرنشان کرد که نگرانی او به این جهت شدید است که اتحاد جماهیر شوروی با کمال تأسف هیچ‌گونه گامی برای حل بحران ناشی از گروگان‌گیری بر نمی‌دارد. دولت اتحاد شوروی بیشتر تلاش می‌کند تا از این بحران برای گسترش نفوذش در ایران استفاده کند. صدراعظم اشمیت در این مصاحبه گفت که برای همبستگی دولت جمهوری فدرال آلمان با ایالات متحده امریکا حدود مرزی در اتحادیه آتلانتیک وجود ندارد.^۵ در همین حال، بیش از ۵۰ تن از نمایندگان حزب کارگر در مجلس عوام انگلستان نامه‌ای برای دکتر بنی صدر رئیس جمهوری اسلامی ایران، فرستاده‌اند. به گزارش خبرنگار سیاسی تایمز، این نمایندگان از کسانی هستند که در زمان شاه مخلوع با رژیم وی و طرز رفتارش با زندانیان سیاسی مخالف بودند. آنها در نامه خود خواستار آزادی گروگان‌های امریکایی شدند. رادیو لندن که گزارش مذکور را پخش کرد در ادامه یادآور شد که روزنامه تایمز به نقل از نامه این نمایندگان به رئیس جمهوری ایران افزوده است: ادامه توقیف گروگان‌های امریکایی نتیجه‌ای جز انحراف افکار عمومی از اعمال و سیاست‌های گذشته امریکا در ایران ندارد.^۶

همچنین مواضع ژاپن در این ماجرا قابل ذکر است که از طرفی حامی جدی امریکا است و از طرفی با ایران طوری برخورد می‌کند که با گرفتن زمان مناسب، کمترین خسارت‌های ممکن را متحمل شود. یک گزارش رویتر از توکیو حاکی است ژاپن می‌خواهد اقداماتش طوری باشد که رقبای دیگر حتی المقدور جایگزین آن نشوند. در گزارش رویتر آمده است: کارخانه میتسویی ژاپن پروژه ۳/۲ میلیارد دلاری مجتمع پتروشیمی ایران را به پایان خواهد رساند. یک سخنگوی این کارخانه ضمن اعلام خبر مذکور افزود: عملیات ساختمانی این پروژه که حدود ۸۳ درصد کارش تمام شده بود، به دنبال انقلاب ایران متوقف شد و ما دوباره تصمیم گرفته‌ایم که کار تکمیل پروژه را دنبال کنیم. سخنگوی شرکت مزبور افزود: «ما ادامه کار را تا پایان این ماه از سر خواهیم گرفت و تا آن موقع حدود ۳۰۰ مهندس و کارگر ژاپنی به محل اعزام خواهند شد. گفته می‌شود پروژه فوق که کارهای جزئی آن باقی مانده تا پایان سال جاری مسیحی به اتمام خواهد رسید.» سخنگوی میتسویی گفت: «اظهارات معین فر توجه ما را به خود جلب کرد و ما فکر کردیم پروژه ممکن است به کشور دیگر واگذار شود

چراکه مجارستان هم اعلام آمادگی کرده بود.» رویتر افزوده است: «گفته می‌شود به دنبال تهدید ایران مبنی بر واگذاری کار به مجارستان یا یکی دیگر از کشورهای اروپای شرقی، ژاپن تصمیم گرفته است این پروژه را که بزرگ‌ترین پروژه مشترک خود با یک کشور خارجی است به اتمام رساند.»^۷

۳۲۸

امروز، همراه با گزارش‌های حمایت‌آمیز از رفتار پلیس انگلیس، همچنین جنبه‌هایی از حادثه سفارت در لندن پخش شد که نشان می‌دهد اهداف دولت انگلیس از چگونگی حل مسئله از پیچیدگی‌های بازنشده‌ای برخوردار بوده است و این فرض را پیش می‌کشد که مقامات انگلیس عمداً می‌خواستند ماجرا را به وضعی برسانند که کشیده شد.*

در چارچوب اولین جنبه ذکر شده، گزارش آسوشیتدپرس از لندن حاکی است: «رونالد موریس یکی از پیشخدمت‌های سفارت ایران در لندن، گفت که مردان مسلح رانده‌شدگان عرب از جنوب ایران بودند و اگر عملیات نظامی برای نجات گروگان‌ها انجام نمی‌شد، آنها همه گروگان‌ها را می‌کشتند. او همچنین گفت در آخرین لحظات پلیس با اشغال‌کنندگان مشغول مذاکره در مورد هواپیما بود که اشغالگران ناگهان تصمیم خود را عوض کرده و به کشتار گروگان‌ها پرداختند.»^۸ اما در چارچوب دومین جنبه ذکر شده، یک گزارش رادیو لندن قابل ذکر است. این رادیو در بخش عربی خود گزارش داد: پلیس لندن از این موضوع پرده برداشته است که مردان مسلح اشغال‌کننده سفارت ایران در لندن پیش از حمله کماندوهای انگلیسی به ساختمان سفارت از تمام خواسته‌های خود صرف‌نظر کرده بودند بجز تأمین راه خروج آنها از کشور، اما مقامات انگلیسی آمادگی تأمین این راه خروج را نداشتند. پلیس لندن می‌گوید همین عامل باعث ناکامی مذاکرات با مردان مسلح شد.^۹

۳۲۹

اعلام مواضع مقامات ایران و عراق در قبال یکدیگر، آشکارا تیره‌تر شدن روزافزون روابط دو کشور را نشان می‌دهد؛ تا جایی که هر دو طرف هرگونه میانجیگری را رد می‌کنند. نعیم حداد معاون رئیس‌جمهور عراق، که اخیراً تحرک دیپلماتیک قابل ملاحظه‌ای را بروز می‌دهد بار دیگر دعوای عراق علیه ایران در مورد سه جزیره و اروندرود را مطرح کرد.**

* مطالعه گزارش مشاهدات یکی از گروگان‌ها که در بخش ضmann روزشمار ۱۳۵۹/۲/۱۶ درج شده است، توصیه می‌شود.
** جالب است که نعیم حداد، در یک تقلید آشکار از ایران و برای گرفتن ابتکار عمل، می‌کوشد شعار "نه شرقی، نه غربی" ایران را از انحصار ایران خارج کند و از مزایای آن برای عراق هم بهره بگیرد. وی در همین مصاحبه اتحاد شوروی و ایالات متحده را متهم کرد که در پی آن‌اند که با روش‌های مختلف کنترل حوزه‌های نفتی منطقه غرب آسیا را به دست گیرند. وی گفت: هدف اتحاد شوروی منحصر به اشغال افغانستان نبوده، بلکه به بهانه دفاع از خطرهایی که از جانب ایالات متحده وجود دارد، درصدد اشغال دیگر کشورهاست. حداد افزود: روش روس‌ها نفوذ از طریق احزاب کمونیست در پاکستان و دیگر کشورها و به دست آوردن قدرت در آنجاست. وی در مورد اهداف ایالات متحده گفت: راهبرد امریکا براساس ایجاد تشنج دائمی در این منطقه و توجیه حضور واشنگتن به بهانه‌های مختلف و برپایی پایگاه‌های نظامی در این منطقه است.

امروز، آسوشیتدپرس گزارش داد: حداد در مصاحبه با روزنامه *السیاسه* (چاپ کویت) گفت که وی برای حل و فصل اختلافات میان ایران و عراق پیشنهاد مذاکره مستقیم کرده است، لکن به عنوان ابراز حسن نیت، ایران باید ابتدا سه جزیره واقع در خلیج فارس را به اعراب مسترد دارد. حداد گفت: عراق متقاعد شده است که قدرت‌های خارجی وجود دارند که سعی می‌کنند برای جلوگیری از مواجهه عراقی‌ها با اسرائیل، سربازان این کشور را در مرز عراق و ایران مستقر سازند، لکن عراق چشم طمع به این سه جزیره یا دهانه راه آبی شط‌العرب (اروندرو) ندارد، ضمن آنکه در پی دامن‌زدن به تشنجات با ایران نیست، ولی اگر ایران طالب جنگ باشد از آن استقبال می‌کند. نعیم حداد افزوده است که عراق کوشش‌های میانجیگرانه را نه از روی تکبر، بلکه به دلیل انجام گفت‌وگوهای مستقیم، رد می‌کند.^{۱۰}

یادآوری می‌شود روز قبل نعیم حداد در مصاحبه با روزنامه *کویتي الرأی العام* اعلام کرده بود کشور متبوع او به درخواست از ایران برای تخلیه سه جزیره خلیج فارس که اهمیت راهبردی دارند، ادامه خواهد داد. به گزارش رویتر، وی اضافه کرد کشور او مترصد کسب کنترل این سه جزیره است و عراق این حق را دارد که کنترل این سه جزیره و بالطبع کنترل کامل شط‌العرب (اروندرو) را به دست آورد.^{۱۱}

همچنین حسن طوالبی یک سخنگوی وزارت اطلاعات عراق، در مصاحبه با روزنامه اماراتی *الخليج* همین موضع را به این شکل تکرار کرد: دولت متبوع وی هرگونه میانجیگری بین عراق و همسایگانش را رد می‌کند و ترجیح می‌دهد که مستقیماً با آنها تماس بگیرد. وی افزود: نخستین شرط مذاکره با ایران تخلیه سه جزیره (تنب بزرگ، تنب کوچک و بوموسی) از نیروهای ایران و اصلاح چاپ خط مرزی ایران و عراق در شط‌العرب (اروندرو) است و ما هنوز منتظر پاسخ ایران به این دو مطلب هستیم.^{۱۲}

این‌گونه اظهارات درحالی است که حتی بعد از قضایای سفارت ایران در لندن نیز دولت عراق آشکارا به تبلیغ عربستان‌سازی در خوزستان و طرح دعای عرب‌گرایی در این خطه و به‌خصوص تشویق علنی اقدامات جنایتکارانه‌ای که تحت این عنوان انجام می‌شود، ادامه می‌دهد. رادیو بغداد در ساعت ۱۲:۳۰ امروز، اعلام کرد: «ملت عرب در استان عربستان [خوزستان] همچنان به مبارزات مسلحانه خود علیه افراد و تأسیسات [دولتی]... ادامه می‌دهد. این مبارزات به‌رغم اقدامات و تدابیر سرکوبگرانه رژیم فارسی در جهت پایان‌دادن به قیام ملت عربستان [خوزستان] که در راه کسب حقوق خود آغاز کرده‌اند کماکان ادامه دارد. رادیوی رژیم نژادپرست فارس شب گذشته (۱۳۵۹/۲/۱۶)، اعتراف کرد که هشت بمب آماده انفجار در خط‌آهن اهواز کشف شده است که انقلابیون عربستان [خوزستان] آنها را کار گذاشته بودند.»^{۱۳}

از سوی دیگر در ایران، امروز آیت‌الله بهشتی در جلسه هفتگی مصاحبه مطبوعاتی خود به سؤالات خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ گفت. به نوشته روزنامه *اطلاعات*: «دکتر بهشتی در

پاسخ سؤالی مربوط به مسافرت یاسر عرفات به عراق و نقش میانجیگری وی گفت در رابطه با مسائل مطروحه بین ایران و عراق با روش ضد مردمی و خصمانه‌ای که دولت عراق پیش گرفته، هیچ نقطه مبهمی بین دولت ایران و دولت عراق وجود ندارد، همچنان که نقطه مبهمی میان ملت ایران و ملت عراق باقی نگذاشته است. ملت عراق اعم از شیعه و سنی برادران ما هستند. برادرانی که باید کوشش کنند و ما آنها را یاری کنیم تا از شر حکومت تحمیلی عراق آسوده گردند.^{۱۴}

۳۳۰

در زمینه تحرکات نظامی در مرز ایران و عراق، گزارشی از تردد نیروهای پیاده و خودروهای ارتش، کانال کشی و سنگر بندی‌های متعدد، از جمله در منطقه مرزی پاسگاه‌های شیلات و نصریان (محدوده موسیان)^{۱۵} و نیز در حوالی میله ۲۲ مرز و پاسگاه بجلیه^{۱۶} حکایت دارد. گزارش پاسگاه کیلومتر ۲۵ خرمشهر نیز حاکی است که در ساعت ۱۵:۲۰ امروز، یک هواپیمای جنگی از خاک کشور عراق به ارتفاع تقریباً ۱۷ هزار پایی بین این پاسگاه و شلمچه تا عمق ۸ کیلومتری خاک ایران نفوذ کرده و سپس بازگشته است.^{۱۷}

از طرف دیگر، بنا بر ادعای مقامات مرزی استان بصره عراق امروز همچنین «یک فروند هواپیمای شکاری ایران در منطقه سیبه به حریم هوایی عراق تجاوز و پس از گشت‌زدن در نوار مرزی به طرف شلمچه ایران بازگشته است».^{۱۸}

یادآوری می‌شود اخیراً گزارش مقامات مرزی عراق به ایرانیان از تجاوزها و تخطی‌های مرزی ایران، افزایش یافته است و نوعی گردآوری مدارک و اسناد از این کار استنباط می‌شود. از جمله افراد گارد مرزی پاسگاه طیبه عراق اعلام کردند که امروز ساعت ۳۰:۱۰، «یک فروند قایق جنگی ایرانی که مجهز به مسلسل بوده مقابل پاسگاه مزبور توقف و با اشاره و علامات، چند دقیقه‌ای به مأمورین پاسگاه توهین نموده و سپس به طرف خرمشهر حرکت نموده‌اند».^{۱۹}

امروز، یک تیراندازی متقابل نیز در پاسگاه کیلومتر ۲۵ خرمشهر بین نیروهای مرزی دو کشور رخ داد. تیراندازی با سلاح کالیبر ۵۰ از خاک عراق به طرف پاسگاه مزبور شروع شد و با پاسخ‌گویی مأموران پاسگاه ادامه یافت.^{۲۰}

۳۳۱

در ادامه تحرکات خرابکارانه عوامل عراق امروز، دست‌کم ۴ مورد از این‌گونه تحرکات در اهواز گزارش شد.

در این زمینه یک بمب ساعتی در کولر آبی گاراژی واقع در نزدیکی سه‌راه خرمشهر کشف و ختنی شد.^{۲۱} در ساعت ۱۰ شب نیز «در یک گاراژ مسافری واقع در منطقه کمپلو اهواز یک بمب تی.ان.تی که حاوی ۳/۵ کیلوگرم مواد منفجره بوده توسط اهالی منطقه کشف و در جوی آب انداخته و ختنی

شد.^{۲۲} در همین ساعت یک بمب ساعتی در محل نمایشگاه باغ ملی اهواز منفجر شد، اما خسارات وارد شده جزئی بود و تلفات جانی نداشت. حدود نیمه‌شب نیز «سرنشینان یک دستگاه اتومبیل سواری ب.ام.و. پرتقالی‌رنگ در حال عبور از سه‌راه خرم‌شهر شهرستان اهواز یک بمب را از داخل اتومبیل به بیرون پرتاب [کردند] که در اثر خراب‌بودن چاشنی آن منفجر نشده و توسط مسئولین امر ختنی شد.»^{۲۳} امروز همچنین به سپاه اهواز گزارش داده شد: «همه‌روزه تعدادی از ایرانیان ساکن سابله از طریق هورالعظیم به پاسگاه سابله عراق رفته و اسلحه و مهمات دریافت و مراجعه می‌نمایند. این عمل در چند ماه پیش شدت داشته، ولی اکنون کاهش یافته است، ولی تحویل سلاح در قبال خرابکاری از طریق پاسگاه فوق به افراد ایرانی ادامه دارد.»^{۲۴}

از سوی دیگر، سپاه دزفول در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «واحد عملیات سپاه دزفول موفق گردید یک گروه شش‌نفری از عاملین شش انفجار مناطق مختلف مرزی را دستگیر نماید. اسامی گروه دستگیر شده عبارت‌اند از: هویلوش دبات فرزند جعلوش عامل اصلی انفجار قطار در ایستگاه سزاب و لوله‌های نفت شوش، حنوش دبات فرزند جعلوش رهبر گروه، عبدالحسین دبات معروف به عبیس فرزند حلوش عامل انفجار قطار در ایستگاه سزاب، جاسم چنانه فرزند محیس عامل انفجار لوله نفت گامش‌آباد دزفول و تنگه‌سینه در منطقه مرزی موسیان، رازی رویشدی فرزند عبدالله معروف به حیل حسن جاسوس و راهنمای گروه، حیل عبدالهی فرزند حسن یکی از اعضای گروه.»^{۲۵}

علاوه بر خوزستان، تحرکات عوامل عراق در مناطق دیگر نیز قابل‌ملاحظه است. در غرب کشور به گزارش ژاندارمری کرمانشاه امروز، «کلیه عشایر مسلح قلخانی که از طرف مهاجمین تدارک می‌شوند به دستور خسرو بیگ داماد سردار جاف به عراق رفته و به نظر می‌رسد مأموریت حمله به آبادی‌های مرزی سرپل‌ذهاب و آبادی کدخدا حسن کومک به آنان واگذار شده باشد.»^{۲۶} در تهران که انفجارهای اخیر باعث حساسیت روی تردد افراد شده است به نوشته روزنامه کیهان امروز، «دو عراقی که رفتار مشکوکشان توجه مأموران تجسس کلانتری ۱۳ تهران را به خود جلب کرده بود، در محدوده بازار تهران بازداشت شدند و در بازرسی از وسایل آنها تعداد ۴۲۰ تیر فشنگ کلاشینکف کشف شد. با کشف فشنگ‌ها، مأمورین این دو عراقی را که محمد خوشنام فرزند مجید و جمیل خوشنام فرزند مصطفی نام دارند به کلانتری اعزام کردند و تحقیق از آنان آغاز شد. مأموران پس از تحقیقات مقدماتی و تشکیل پرونده متهمین را با فشنگ‌های مکشوفه به دادسرای انقلاب اعزام کردند.»^{۲۷}

اقدامات و مطامع عراق در خوزستان و نیز به‌کارگرفتن افرادی چون بختیار و اویسی علیه جمهوری اسلامی ایران، در مطبوعات اروپایی نیز بازتاب دارد که هرچند به دلیل دشمنی با ایران، عمده نمی‌شود، ولی به‌هرحال به میزان قابل‌توجهی می‌توان چنین مواردی را مشاهده کرد.

از جمله یک بولتن وزارت ارشاد که با عنوان بررسی روزانه مطبوعات جهان منتشر می‌شود، در شماره امروز خود، مطلبی از فیگارو (چاپ پاریس) مورخ ۲ مه ۱۹۸۰ (۱۳۵۹/۲/۱۲) ترجمه کرده که در ادامه آمده است، همچنین در تأیید مطالب مربوط به رابطه افرادی چون بختیار و اویسی با عراق، به اسناد داخلی اشاره شده است.

در مقاله فیگارو آمده است: در واقع تمام کسانی که رویای برانداختن رژیم (آیت‌الله) خمینی را در سر می‌پروراندند در بغداد گرد هم جمع شده‌اند، در یکی از جلسات اخیر آنها نخست‌وزیر سابق، یعنی بختیار نیز حضور داشت. رهبری نظامی این جنبش به‌عهده اویسی فرماندار سابق تهران و رهبری سیاسی آن به‌عهده پرویز ثابتی مدیر سابق ساواک است و تیمسار پالیزیان که اصلیت کردی دارد مسئولیت هماهنگی با شورش‌های کردستان را دارد. مصر مسئولیت مالی این سازمان را به عهده دارد و اشرف اخیراً چکی به مبلغ ۵ میلیون دلار به این سازمان کمک کرده بود.^{۲۸}

در مورد حضور شاهپور بختیار در عراق، یک گزارش ژاندارمری نشان می‌دهد که همین امروز، نامبرده «به چهارکلا عراق آمده و برای فراریان ایرانی که در منطقه مزبور می‌باشند، سخنرانی نموده و به آنان نویدهایی داده است».^{۲۹}

در مورد تیمسار اویسی نیز در گزارش یک پایگاه نظامی در دهلران که چند روز قبل (۱۳۵۹/۲/۱۳)، به مقامات بالاتر ارسال شد، آمده است: «اویسی معروف در حال حاضر در عراق سکونت دارد و مشغول استخدام متواریان ایرانی برای خرابکاری در ایران می‌باشد. نامبرده به کشور عربستان به‌طور پنهانی سفر کرده و به هر چریکی که استخدام می‌نماید ماهیانه ۱۲۰ دینار عراق پول پرداخت می‌کند».^{۳۰}

امروز همچنین رادیو مسکو از تحرک برخی سلطنت‌طلبان و اویسی علیه ایران خبر داد،

اما حضور او در عراق را مسکوت گذاشت. این رادیو افزود: «مفسر ما می‌نویسد دشمنان دوآتشه انقلاب ایران و سلطنت‌طلبان و طرف‌داران شاه مخلوع که آرزوی برقراری مجدد حکومت سابق و سیادت امپریالیسم امریکا را دارند پیوسته از پشتیبانی امپریالیست‌های امریکا برخوردارند. بولتن نظامی استریجی ویک (چاپ واشنگتن) اطلاع می‌دهد که سرلشکر اویسی بی‌سروصدا و به‌طور پنهانی یک تیم نظامی تشکیل داده است و پایه‌هایی برای عملیات آینده علیه جمهوری [اسلامی] تهیه دیده است. جلاد خون‌آشام اویسی که به دستور شاه مخلوع خلق‌های ایران را غرق به خون کرده بود، در ایالات متحده امریکا به سر می‌برد و مقدمات حمله به انقلاب ایران را فراهم می‌سازد و زمینه‌ای برای برقراری مجدد حکومت سابق آماده می‌نماید».^{۳۱}



تیمسار غلامعلی اویسی

۳۳۳

برای ترسیم آخرین وضعیت سنندج، گزارش خبرنگار کیهان از مشاهدات امروز خود در این شهر و نیز دو گزارش ژاندارمری، در ادامه درج شده است.

در گزارش خبرنگار اعزامی کیهان آمده است: «درحالی که بیش از دو هفته از درگیری‌های خونین در سنندج می‌گذرد مردم این شهر همچنان در وحشت و نگرانی به سر می‌برند و تیراندازی و درگیری میان گروه‌های مسلح منطقه و افراد ارتش و پاسداران در تمام ساعات دیشب، ادامه داشت.» در ادامه این گزارش وضع امروز شهر چنین ترسیم شده است: «صدای انفجار خمپاره گروه‌های مسلح [ضدانقلاب] و توپ‌های ارتش که در ارتفاعات و مواضع حساس شهر مستقر هستند همچنان سنندج را می‌لرزاند و فشار ارتش و پاسداران برای پاک‌سازی منطقه به‌خاطر اینکه مردم بی‌گناه کشته نشوند، قدم‌به‌قدم و بسیار با دشواری انجام می‌شود و هیچ نشانه‌ای در دست نیست که این درگیری‌ها و تیراندازی‌ها به‌زودی پایان یابد...»

صحنه درگیری بیشتر در اطراف استانداری و باشگاه افسران است و پیشروی پاسداران که با پشتیبانی واحدهای لشکر ۲۸ کردستان انجام می‌گردد، از سمت راست فرودگاه سنندج تا سیصدمتری خیابان اقبال و پادگان تا اطراف خیابان استانداری نرسیده به مسجد جامع شهر و همچنین قسمتی از سمت راست محوطه رادیو تلویزیون است. درحالی که گروه‌های مسلح [ضدانقلاب] همچنان با سنگربندی در اطراف پل کمانگر و استانداری و در داخل خانه‌ها و سنگرهای بتونی تپه مشرف به پادگان و تپه‌های اطراف فرودگاه به مقاومت و تیراندازی متقابل مشغول هستند.»

در اشاره به وضع کلی شهر و پادگان از نظر خواربار و تجهیزات، گزارش خبرنگاران اعزامی کیهان حاکی است: «کمبود آب و تا حدودی برق در داخل شهر سنندج و نبودن مواد سوختی و خواربار روزبه‌روز بیشتر، مردم سنندج را تحت فشار قرار می‌دهد و تمایل و یا حرکت بعضی از آنها برای کوچ به پادگان شهر، نشانگر این وضع است. در داخل پادگان سنندج نیز ارتباط تلفنی با شهر و شهرهای اطراف به‌کلی قطع است و امکان هیچ‌گونه ایاب‌وذهاب بدون وحشت از تیرخوردن برای هیچ‌کدام عملی نیست.»

در مورد آتش‌بس چند روز پیش: «علاوه بر اینکه آتش‌بس رعایت نشد، بلکه در اثر تیراندازی گروه‌های مسلح [ضدانقلاب] در اطراف منازل پادگان سنندج سه بچه کشته و مجروح شدند.»^{۳۲}

کیهان در گزارش دیگری آورده است: فشار اقتصادی ناشی از بسته‌بودن مغازه‌ها و ناامن بودن راه‌های خروجی و ورودی شهر وضعیت بسیار دشواری پدید آورده است. سپاه پاسداران نیز با محاصره شهر هرگونه راه کمک‌رسانی به گروه‌های مسلح را تا حدود زیادی بسته است.^{۳۳}

در همین حال، گزارش امروز ناحیه ژاندارمری کرمانشاه به نقل از درجه‌دارانی که از سنندج آمده‌اند، حاوی نکاتی بدین شرح است:

- «گروه‌های مختلف، شهر سندج را منطقه‌بندی نموده و در حال حاضر ناحیه ژاندارمری سندج و فرودگاه سندج حوزه عملیاتی دمکرات‌ها و منطقه سمت جاده نو و لشکر سندج حوزه فعالیت چریک‌های فدایی خلق و منطقه سمت جاده دهگلان و صلوات‌آباد حوزه فعالیت کومه‌له می‌باشند. به‌طور کلی تمام گروه‌ها مسلح هستند و در میان آنها دختران و زنان مسلح زیادی دیده می‌شوند و نیز تعدادی افراد غیربومی از سایر نقاط ایران به سندج آمده و در میان اجساد تعداد زیادی جسد افراد غیرمحلی وجود دارد.»
- «ارتفاعات اطراف فرودگاه شهر سندج تا شهربانی سمت جاده نو و سمت جاده همدان تا عباس‌آباد در دست گروه‌هاست.»
- «سلاح‌هایی که در دست گروه‌ها دیده شده: ۱. بازوگا، ۲. خمپاره‌انداز ۱۲۰ میلی‌متری، ۳. آر.پی.جی. ۷، ۴. کلاشینکف، ۵. تیربار کالیبر ۵۰، ۶. تفنگ ۱۰۶ میلی‌متری، تفنگ ۱۲۱ و ژ ۳، برنو، یوزی و کلت می‌باشد.»
- «گردنه صلوات‌آباد و مروارید در محورهای سندج و همدان و سندج به کرمانشاه در دست [این] گروه‌ها می‌باشد و [آنها] مبادرت به تهیه استحکامات در این نقاط نموده و اتوبوس‌های عبوری را نیز بازرسی [می‌کنند].»^{۳۴}

۳۳۴

در وضعیت ناامن کنونی سندج، از مردمی که با گروه‌های غیرمذهبی مرزبندی دارند یا به‌طور اساسی غیرسیاسی و در پی امنیت خود هستند، عده کمی موفق به خروج از شهر یا رساندن خود به مراکز امن بسیار معدود شهر می‌شوند.

خبرنگاران کیهان به توصیف وضع عده‌ای قلیل پرداخته‌اند که امکان پناه‌یافتن پیدا کرده‌اند. در این گزارش که مربوط به فعالیت امروز خبرنگاران مزبور در سندج می‌باشد، آمده است: «به‌قصد ملاقات و گفت‌وگو با پناهندگان سندج به پادگان سندج محل تجمع این عده که در منازل آسیب‌دیده پادگان سندج هستند، رفتیم. در این نقطه که مشرف به پادگان سندج است صدای تیراندازی مسلسل کلاشینکف گروه‌های مسلح با آتش متقابل پاسداران و سربازان، آبی قطع نمی‌شود. در حالی که ما به‌طور زیگزاگ به‌اتفاق فرمانده عملیات و چند تن از درجه‌داران و سربازان به‌سوی آن محل می‌رفتیم، در اثر انفجار خمپاره یکی از ما (خبرنگار اعزامی) از ناحیه دست و انگشتان مجروح شد که بلافاصله همکار مجروح ما را با آمبولانس به پادگان سندج بردند و تحت درمان اولیه قرار گرفت. در اثر این حادثه دوربین همکارمان نیز شکست.» در ادامه گزارش خبرنگاران کیهان آمده است: «با وجود این اتفاق ناگواری ما توانستیم با پناهندگان سندج در طبقه اول یک بلوک آپارتمانی خالی و گلوله‌خورده گفت‌وگو کنیم. این عده که تقریباً ۲۵۰

نفر هستند در گفت‌وگویی ضمن اعلام خواسته‌های خود قطعنامه‌ای در ۶ ماده تنظیم کردند. «در این قطعنامه از امام و دولت و سپاه و ارتش اعلام حمایت و از «گروه‌های مسلح وابسته در شهر سنندج که تحمیل‌کننده جنگ اخیر می‌باشند» اعلام انزجار شده و تأکید گردیده است: «با تمام وجود خواستار ممانعت از نفوذ مجدد گروه‌های مسلح جیره‌خوار اجنبی هستیم.» در آخر قطعنامه هم آمده است: «از مردم مسلمان سنندج که هنوز در شهر باقی مانده و گروه‌ها اجازه خروج آنها را نمی‌دهند، خواستاریم به هر طریق ممکن به ما بپیوندند تا پاک‌سازی شهر زودتر صورت گیرد.»^{۳۵}

از سوی دیگر، گروه‌های معارض مسلح، علاوه بر ایجاد رعب و انواع مانع‌تراشی در جهت جلوگیری از کوچ مردم به نقاط امن، به کار تبلیغاتی وسیعی نیز دست می‌زنند؛ از جمله سازمان چریک‌های فدایی خلق مدعی شد: سپاه پاسداران مردم را در ازای دریافت مواد غذایی به تسلیم یا خروج از شهر تشویق می‌کند.^{۳۶}

۳۳۵

امروز، ۲ تن از فرماندهان ارتش و سپاه مستقر در سنندج، سرهنگ صدری فرمانده پادگان سنندج و محمد بروجردی فرمانده عملیات غرب مستقر در سنندج، در مصاحبه با خبرنگاران مطالبی درمورد این شهر مطرح کردند.

سرهنگ صدری فرمانده پادگان سنندج در گفت‌وگویی با خبرنگار اعزامی کیهان گفت: «چند قسمت از شهر توسط پاسداران پاک‌سازی شده، ولی به‌علت سنگربندی گروه‌های مسلح در مسجد جامع شهر ما نمی‌خواهیم و نمی‌توانیم در این محل پیشروی کنیم؛ زیرا برای پاک‌سازی این نقطه باید مسجد را بکوبیم که این کار درست نیست.» وی سپس با تکذیب خبر کشته‌شدن خود گفت: «این شایعه را گروه‌های مسلح راه انداخته‌اند و من همچنان به‌عنوان یک سرباز که معتقد به خلع سلاح گروه‌ها و مخالف با هرگونه مذاکره و آتش‌بس هستم در موضع خود ایستاده‌ام. این را اضافه می‌کنم که این گروه‌ها فقط قصد تجزیه و نقض استقلال و حاکمیت ملی را دارند در صورتی که دولت با طرح شش ماده‌ای آنها موافقت کند، پایه تجزیه کشور را در خاک کردستان ریخته است.» سرهنگ صدری شایعه بمباران شهر سنندج را نیز تکذیب کرد و افزود: «فانتوم‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران فقط به درخواست من و برای انهدام سنگرهای دشمن در اطراف شهر سنندج و بالای تپه و کوه‌ها وارد عمل شدند و اعلام این موضوع که شهر سنندج بمباران شده است ابداً صحیح نیست.» وی پاک‌سازی شهر سنندج را مأموریتی برای سپاه پاسداران دانست و ضمناً گفت: «ما در این عملیات از آنها پشتیبانی می‌کنیم و می‌کوشیم که زمینه

پیشروی آنها را فراهم کنیم و تا به حال گروه‌های مسلح که از دمکرات‌ها، کومه‌له، چریک‌های فدایی خلق، ساواکی‌ها و گروه‌های زیادی از افراد غیربومی سنندج هستند، حدود ۳۰۰ گلوله خمپاره به داخل پادگان پرتاب کردند که اگر ما می‌خواستیم به آنها جواب دهیم، شهر ویران شده بود.» فرمانده پادگان سنندج تأکید کرد: «ضد هوایی ۴۰ میلی‌متری عراق در گردنه خان‌بانه و دره ازگله پای تپه‌رش مستقر شده و این اولین باری است که در جنگ کردستان گروه‌های مسلح به این سلاح ضد هوایی برای مقابله با پروازهای هلیکوپتر مجهز شده‌اند.»^{۳۷}

محمد بروجردی فرمانده عملیات سپاه پاسداران غرب مستقر در سنندج نیز در گفت‌وگویی با خبرنگاران چگونگی وقایع اخیر کردستان و پیامدهای آن را تشریح کرد. وی در مورد اعزام مجدد پاسداران به سنندج گفت: به دنبال مذاکرات دولت در یک سال گذشته، نیروهای مسلح غیرمسئول در منطقه به سازماندهی پرداخته بودند. مقابل ستون‌های اعزامی ارتش برای حفظ مرزها، ایستادند و در این مقطع از زمان که ما هیچ‌گاه درصدد خلع سلاح نیروهای غیرمسئول در منطقه نبودیم جنگ داخلی را تحمیل کردند. بروجردی افزود: وقتی مهاجمین پادگان لشکر ۲۸ سنندج، باشگاه افسران و فرودگاه را در محاصره داشتند به ما ابلاغ شد برای تقویت ارتش نیرو به منطقه اعزام داریم. لذا از طریق هوا پاسداران انقلاب وارد فرودگاه و پادگان سنندج شدند و با تقویت باشگاه افسران سرانجام توانستیم این باشگاه را از محاصره نجات دهیم و نیروهای مستقر در باشگاه را تقویت کرده و از سقوط حتمی آن جلوگیری به عمل آوریم. وی در مورد رابطه فعلی سپاه و ارتش و هماهنگی این نیروها در منطقه گفت: هم‌اکنون یک ستاد مشترک تشکیل شده که با فرماندهی مشترک، عملیات ارتش در مواضع کلی انجام می‌گیرد و نیروهای سپاه پاسداران عملیات پاک‌سازی و دستگیری ضدانقلاب را ادامه می‌دهند. بروجردی افزود: یکی از موجبات پیشرفت، همکاری برادران پیشمرگ مسلمان کرد می‌باشد که مواضع دشمن را خوب می‌شناسند و ما را در پیشرفت عملیات صمیمانه یاری می‌دهند.^{۳۸}

بروجردی همچنین در مورد این مطلب که حزب دمکرات و کومه‌له و چریک‌های فدائی شاخه کردستان در یک اطلاعیه که در سطح وسیع پخش شده خواستار آتش‌بس در کردستان شدند و شرط قبول آن را رعایت مقررات آتش‌بس از سوی ارتش و پاسداران اعلام کردند، گفت: ما به‌طور کلی با این نظر مخالفیم زیرا در تمام دوران مذاکرات قبلی آنها توانستند تا حدود زیادی به تجهیز و تقویت مسلحانه خود پردازند.

وی با اشاره به اینکه خلع سلاح گروه‌های مسلح غیرقانونی فوری‌ترین اقدام برای آتش‌بس است، گفت: مأموران ژاندارمری و شهرداری باید حافظ امنیت شهرهای کردستان شوند و تا وقتی که آنها در سطح منطقه مستقر نشوند، هیچ‌گونه مذاکره و آتش‌بس صحیح نیست.

بروجردی در پاسخ به این سؤال که سنگربندی گروه‌های مسلح غیرقانونی در داخل خانه‌ها و جنگ چریکی با پاسداران و ارتش ممکن است تا چه مدت طول بکشد، گفت: مشکل عمده در وضعیت کنونی این است که چنانچه ما مواضع و سنگرهای آنان را بکوبیم، عده زیادی از مردم که روی خانه‌های آنها سنگربندی انجام شده از بین می‌روند.^{۳۹}

بروجردی در مورد آتش‌بس چند روز پیش گفت: حزب دمکرات و شاخه کومه‌له و چریک‌های فدائی آتش‌بس را رعایت نکردند. این فرمانده عملیات سپاه سپس با اشاره به اینکه هدف، استقرار نظام عدل است و در جهت آن کوشش خواهد شد در مورد مواضع نیروهای مسلح غیرقانونی گفت: نیروی آنها به صورت پراکنده در شهر درآمده و عملیات آنها نیز غیرمنظم شده است و به طور کلی قدرت سلاح‌های سنگین گروه‌ها کاسته شده و مقداری از آن به دست نیروهای ارتش و پاسداران افتاده است. وی افزود: راه‌ها برای کمک‌رسانی به آنها بسته شده و مشکل عمده پراکندگی آنها در سطح شهر است.^{۴۰}

۳۳۶

درحالی‌که درگیری در سنندج بدون برتری قاطع هیچ‌یک از دو طرف همچنان ادامه دارد، ایجاد هماهنگی و وحدت فرماندهی و عمل میان نیروهای مسلح متفاوت موجود یعنی نیروهای داوطلب و سپاه و از طرفی نیروهای موظف ارتش که طبعاً هرکدام در فضای جداگانه‌ای به سر می‌برند، از معضلات است. به خصوص که فرمانده کل قوا بنی‌صدر است و در ذهنیت نیروهای سپاه در مورد وی مشکل اساسی وجود دارد و او را فردی می‌دانند که صرف نظر از مواضع سیاسی، در این گونه موارد، فردی بی‌اطلاع است و ذهن و ملاک تصمیم‌گیری‌های خود را در اختیار فرماندهان ارتشی قرار داده است که چندان توانایی و تمایلی به انجام روش‌ها و راه‌حل‌های مورد نظر سپاه ندارند. با این همه بنی‌صدر در مقام فرماندهی کل قوا، روز گذشته، به اتخاذ تدابیری برای حل این معضلات دست زده است که امروز، در قالب دستورالعمل‌هایی از ستاد مشترک ارتش به کلیه نیروهای مسلح درگیر از جمله سپاه، به صورت تلفن‌گرام‌هایی به شرح زیر ارسال شد:

متن تلفن‌گرام اول: «در جلسه شورای وزرای امنیتی روز ۵۹/۲/۱۶، با توافق مقامات مسئول، ریاست‌جمهور فرمودند آقای ابوشریف و سرگرد شیرازی در منطقه لشکر ۲۸ حضور داشته باشند و زیر امر فرمانده لشکر عملیات هماهنگ نموده از اقدامات مستقل و موضعی بی‌نتیجه خودداری شود.* دستور فرمایید در این مورد اقدام و مراتب را به لشکر ابلاغ نمایند که فعالیت‌ها با طرح‌ریزی قبلی و در زمان متناسب انجام شود که از تلفات بی‌نتیجه و تضعیف روحیه افراد جلوگیری شود.»^{۴۱}

* صرف همین یک دستورالعملی که افرادی چون ابوشریف و صیاد شیرازی را زیر امر لشکر ۲۸ قرار می‌دهد، خود گویای خالی بودن ذهن بنی‌صدر و از طرفی از قبل محکوم به شکست بودن مدیریت وی است. به خصوص در فضای انقلابی کنونی که شخصیت و رفتار انقلابی غالب افراد مقدم بر شخصیت و رفتار سازمانی و قانونی آنان می‌باشد؛ مسلم است که این گونه دستورالعمل‌ها فقط واکنش و ذهنیت منفی در مورد وی را افزایش می‌دهد.

- متن تلفن گرام دوم: «در جلسه مورخه ۱۳۵۹/۲/۱۶ شورای وزیران امنیتی مقرر گردید:
۱. محاصره شهر سندج تکمیل و ترتیبی اتخاذ شود که مطمئناً از تقویت ضدانقلابیون در شهر ممانعت شود.
 ۲. جاده کرمانشاه - سندج [با] زیر امر [قرار] گرفتن ژاندارمری کرمانشاه و سپاه پاسداران از وجود عناصر ضدانقلابیون پاک شود و با گماردن ۷ پاسگاه از کامیاران تا سندج که امکان دارد ۳ پاسگاه آن به ژاندارمری و ۴ پاسگاه به سپاه پاسداران محول شود و با گشت زنی و حملات ناگهانی به روستاهای اطراف جاده و پاک کردن از افراد مسلح غیرقانونی امکان رفت و آمد از راه زمین هرچه زودتر فراهم شود.
 ۳. با برقراری ارتباط بین پاسگاه‌های مذکور واحدهای مستقر در کامیاران درخواست‌های کمک پاسگاه‌ها از طرف واحد مزبور مورد اجابت شود.
 ۴. با این ترتیب که وسایل پروازی نمی‌تواند برای مدت مدیدی تدارک از راه هوا را تأمین نماید اهمیت و فوریت امر تأکید می‌شود.^{۴۲}

۳۳۷

گردنه صلوات‌آباد که در حدود ۱۵ کیلومتری سندج به سمت دهگلان واقع شده یکی از نقاط سوق‌الجیشی و حساس در حوادث کردستان است که از چندی پیش در اختیار گروه‌های مسلح مخالف نظام قرار داشت و از این نقطه به ارسال کمک برای نیروهای خود در سندج اقدام می‌کردند و نیز مانع ارتباط زمینی مناسب نیروهای دولتی با سندج می‌شدند. پس از آنکه مدتی بر اثر ناهماهنگی بین ارتش و سپاه عملیات برای تصرف این گردنه به تعویق می‌افتاد، امروز، این گردنه در عملیاتی با نقش اصلی سپاه آزاد شد و نیروهای نظام در آن مستقر شدند. نکته اینکه حتی در اعلام این خبر نیز بازهم ناهماهنگی مشهود است.

ستاد مشترک ارتش در تلفن گرام خود به سپاه پاسداران اعلام کرد: «برابر اعلام نیروی زمینی، یگان‌های تیپ ۳ همدان در ساعت ۱۰:۳۰ مورخ ۱۳۵۹/۲/۱۷، راه‌داری گردنه صلوات‌آباد را اشغال نمودند.»^{۴۳} همچنین سپاه همدان که فرمانده عملیات خود را در این عملیات از دست داد گزارشی به این ترتیب به سپاه تهران ارسال کرد: در درگیری ساعت ۲ بعد از ظهر امروز، «در گردنه صلوات‌آباد که منجر به شهادت ۲ نفر و مجروح شدن ۳ نفر از افراد سپاه همدان شد، تمام ارتفاعات گردنه در دست سپاه قرار گرفته و در حال حاضر اوضاع آرام می‌باشد. (احتمال درگیری نیز هست)» در هامش پیام آمده است: «به رئیس‌جمهور اطلاع داده شد.»^{۴۴}

در تلفن گرام دیگری که امروز سپاه همدان به مرکز فرماندهی سپاه در تهران ارسال کرد اسامی ۲ شهید و مجروحان این عملیات که همگی از اعضای سپاه همدان بودند، اعلام گردید که نام حسین شاه‌حسینی فرمانده عملیات این سپاه نیز جزء شهدا ذکر شده است.^{۴۵}

در همین حال، ژاندارمری نیز به دفتر ریاست جمهوری اعلام کرد: گزارش هنگ ژاندارمری همدان گویاست در ساعت ۱۸ امروز، «ستونی مرکب از ارتش و ژاندارمری و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بدون تلفات گردنه صلوات آباد را واقع در ۵۰ کیلومتری سنندج تصرف و هم‌اکنون پرسنل ژاندارمری در سرزمین نگهبانی خود مشغول حفظ امنیت می‌باشند و ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به‌طرف سنندج به پیشروی ادامه می‌دادند به انگیزه [علت] تاریکی هوا امکان پیشروی وجود نداشته و پرسنل هم‌اکنون در گردنه صلوات آباد متوقف شده‌اند. ضمناً در این مأموریت ۲ نفر از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهید و ۳ نفر دیگر مجروح شده‌اند که توسط هلیکوپتر تخلیه گردیده‌اند.»^{۴۶}

۳۳۸

علاوه بر سنندج، در دیگر مناطق کردنشین غرب کشور، درگیری و ناآرامی ادامه دارد که به‌خصوص در بانه و پاوه میزان وخامت اوضاع بیشتر است، تاجایی که در پیام امروز عملیات سپاه کرمانشاه به تهران آمده است: «لازم [است] جهت جلوگیری از سقوط بانه و مریوان و پاوه و تسخیر باینگان و پاک‌سازی و تعویض و تقویت سنندج و حرکت کامیاران ظرف ۴۸ ساعت آینده ۱۰۰۰ نیرو اعزام شود.»^{۴۷} البته پاسخ این‌گونه درخواست‌ها از طرف سپاه‌های مختلف کمبود نیرو است؛ از جمله عملیات شیراز امروز، در پاسخ به تهران با اشاره به اعزام نیروهای قبلی به سنندج و ارومیه اعلام کرد نمی‌تواند نیرو بفرستد.^{۴۸} در ادامه درگیری‌های مناطق کردنشین امروز در کرمانشاه، «یک بمب در یکی از گاراژهای کرمانشاه کشف و ختنی گردید.»^{۴۹}

در بیجار، درگیری‌های امروز، به مجروح شدن شدید ۴ پاسدار انجامید.^{۵۰*} در دیواندره که از مراکز تدارکاتی گروه‌های مسلح درگیر در سنندج است، گزارش رسیده به سپاه حاکی است: «در حال حاضر، تعداد ۱۰۳ نفر از افراد مسلح از حزب کومه‌له در دیواندره مستقر هستند. ... [و] مظفر محمدی سرپرست افراد مزبور در دیواندره به طرف داران خود اعلام نموده که از شهر خارج شده و در معابر و مناطق کوهستانی به ستون‌های ارتشی دستبرد بزنند.»^{۵۱} در مریوان، سازمان چریک‌های فدایی خلق از محاصره پادگان و دستگیری ۶۸ ارتشی و ۳۰ جاش (محل‌های طرف‌دار نظام) خبر داد.^{۵۲}

* درباره وضعیت مجروحان درگیری امروز بیجار، دو روز بعد (۱۳۵۹/۲/۱۹)، پیامی از سوی مرکز فرماندهی ژاندارمری به ستاد مشترک ارسال شد که گویای فقدان امکانات یا ناهماهنگی است. متن پیام به این شرح است: «دادستان انقلاب اسلامی بیجار اعلام نموده در درگیری روز ۱۳۵۹/۲/۱۷ سپاه پاسداران با مهاجمین تعداد ۴ نفر پاسدار مجروح که در بیمارستان شهرستان بیجار موقتی بستری و چون امکان حمل مقدور نبود، لذا باتوجه به وضع وخیم مجروحین تقاضای اعزام یک فروند هلیکوپتر مقدور نگردیده و پاسخ داده شده در صورت امکان با آمبولانس به بیمارستان مجهز حمل گردد. خواهشمند است دستور فرمایید در صورت امکان اقدام مقتضی معمول دارند.» [سند شماره ۴۱۱۹۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ژاجا (رکن ۳ - مرکز فرماندهی) به سماجا، ۱۳۵۹/۲/۱۹]

در ارومیه، بمبی در یک مینی‌بوس خالی از مسافر که درحال تردد در جاده‌های روستایی بود، منفجر شد.^{۵۳} همچنین در نیمه‌شب گذشته، قریه اشک‌سر هدف حمله حدود ۴۰۰ نفر از عوامل حزب دمکرات قرار گرفت که با رسیدن کمک در ساعت ۴ بامداد، مهاجمان عقب‌نشینی کردند. در این درگیری یکی از جوانمردان به نام خلیل مطهری شهید شد و ۴ نفر از درجه‌داران به گروگان گرفته شدند* و ۵ قبضه اسلحه از پاسگاه به یغما برده شد و یک دستگاه خودروی گاز ۶۶ و یک دستگاه اتومبیل متعلق به یکی از درجه‌داران نیز بر اثر اصابت گلوله آ.پی.جی ۷ منهدم شد.^{۵۴} در سردشت از ساعت ۱۸، پاسگاه ژاندارمری خلته مورد هجوم قرار گرفت که درگیری تا بعد از نیمه‌شب ادامه یافت.^{۵۵} همچنین انفجار مین تلفاتی به بار آورد.^{۵۶} در بانه، محاصره پادگان ادامه دارد. افراد سپاه از فرمانده ارتشی پادگان گلايه دارند و اظهار بدبینی می‌کنند و گزارش منفی راجع به وی می‌دهند.^{۵۷} درباره بانه، سپاه مراغه امروز از طریق سپاه تبریز پیامی بدین شرح به عملیات تهران فرستاد: «طبق خبر رسیده از بانه وضع منطقه خیلی ناامیدکننده است، به نیرو نیاز است، ارتش فرمان آتش ندارد و به احتمال قوی به دست دمکرات‌ها خواهد افتاد.» از زخمی‌های بانه ۵ تن دیروز به تهران اعزام شدند و امروز نیز تعداد نامعلومی زخمی از بانه به مراغه اعزام شده است.^{۵۸} در این حال، مسئول پاسداران مستقر در بانه، امروز، اسامی یک مفقود و ۴ شهید را که اجساد آنها تخلیه شده و بیش از ۱۵ روز است که روی زمین مانده‌اند را اعلام کرد.^{۵۹} در پی تداوم وخامت اوضاع بانه تا آخر وقت امروز، شب‌هنگام نیروی زمینی ارتش، اطلاعیه‌ای به این شرح صادر کرد:

«بسمه‌تعالی

هم‌وطنان مسلمان کردستان و مردم آرامش طلب شهرستان بانه، اکنون که ضدانقلابیون و عوامل وابسته به اجنبی از این روش عملیاتی ارتش و سپاه پاسداران که روستاها و مردم غیر مسلح را مورد حمله قرار نمی‌دهند سوءاستفاده می‌کنند و با مستقر کردن سلاح‌های نیمه‌سنگین خود در محل زندگی و در بین شما به روی واحدهای مستقر در پادگان بانه تیراندازی می‌نمایند، از شما تقاضا می‌شود آنان را از خود برانید و اجازه ندهید در پناه شما پادگان را زیر آتش قرار دهند و چنانچه در انجام این درخواست همکاری ننمایید و ضدانقلابیون را از روستا و شهر بانه بیرون نرانید واحدهای مستقر در پادگان برای دفاع از خود ناگزیر از تیراندازی متقابل خواهند شد که چنانچه شما محل خود را ترک نکنید ممکن است مورد اصابت گلوله قرار گیرید.»^{۶۰} در پاوه، از شب گذشته، دوباره شهر با خمپاره و دیگر سلاح‌ها، از ارتفاعات مورد حمله قرار گرفت. یک گزارش سپاه حاکی است که ۷۰ خمپاره به مرکز سپاه اصابت کرده و بر اثر آن ۳ شهید و ۱۴ مجروح برجا مانده است.^{۶۱} پاوه همچنان در وضع تعطیل قرار دارد^{۶۲} و گزارش‌های مختلف نیروهای سپاه و ژاندارمری به گروهان پاک‌سازی و خلع سلاح شده نوسود اشاره دارد که در خدمت مهاجمان مسلح ارتفاعات پاوه قرار گرفته‌اند.^{۶۳}

* این درجه‌داران روز ۱۳۵۹/۳/۱، آزاد شدند. [سند شماره ۶۳۸۹۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن‌گرام از زاجا

(رکن ۳ - عملیات) به دفتر ریاست جمهوری، [۱۳۵۹/۳/۸]

۳۳۹

در بازتاب مسائل کردستان، یک نکته قابل ذکر تفاوت فاحش فضای سیاسی - اجتماعی داخل کشور با نوع بازتاب آن در رسانه‌های بیگانه است. در این خصوص رادیو صدای امریکا در بخش فارسی خود، چنین تفاوت فاحشی را بروز داده و برخلاف فضای داخل، از ادبیات به شدت تبلیغاتی کاملاً متناسب با گروه‌های محارب و از خبرهای آشکارا نادرست استفاده کرده است. در ادامه نمونه‌ای از انعکاس مسائل کردستان در داخل و نمونه‌ای از گزارش صدای امریکا ذکر شده است.

روزنامه *بامداد* از تشییع جنازه‌ای که صبح امروز برگزار شد بدین نحو خبر داد: «جنازه ۱۱ شهید از سپاه پاسداران که اخیراً در درگیری‌های کردستان به شهادت رسیده بودند از دانشگاه تهران تشییع شد. جمعیت انبوه مشایعت‌کننده که در ساعت ۱۰ صبح، در دانشگاه تهران گرد آمده بودند با تشییع جنازه این ۱۱ شهید یک بار دیگر با فریادهای خشم‌آلود خود توطئه‌های امریکا را محکوم کردند.»^{۶۴}

روزنامه *جمهوری اسلامی* جمعیت را ده‌ها هزار تن ذکر کرد و گزارش داد که انبوه مردم از اولین ساعات صبح در مسجد دانشگاه تهران و اطراف آن اجتماع کرده بودند و شعار می‌دادند: "ای پاسدار قرآن شهادتت مبارک" و "می‌کشم، می‌کشم آن که برادرم کشت". مردم شهدا را از دانشگاه تهران تا لانه جاسوسی تشییع کردند.^{۶۵}

امروز همچنین از بخش فارسی صدای امریکا این گزارش پخش شد: «منابع حزب دمکرات کردستان می‌گویند در حمله رزمندگان کرد به پادگان سنندج ۱۵۰ نفر از نظامیان تحت فرمان دولت کشته [شهید] شده‌اند، از سپاه پاسداران انقلاب هم که برای تقویت پادگان سردشت رفته بودند، ۱۵ نفر کشته [شهید] شده‌اند و رزمندگان کرد نیروهای دولتی و پاسداران را عقب رانده‌اند.»^{۶۶}

۳۴۰

درباره دوره دوم انتخابات مجلس، گروه‌های کمونیستی فعال بجز گروه‌های ضدروسی، اغلب از کاندیداهای مجاهدین خلق در شهرستان‌ها و مسعود رجوی در تهران اعلام حمایت کردند.

حزب توده ایران اعلام کرد از آنجا که کاندیداهای حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورای ملی در تهران، جزو کاندیداهای مرحله دوم قرار نگرفته‌اند، حزب توده ایران به پیروی از سیاست اصولی خود درباره اتحاد نیروهای خلق در مبارزه برای تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران، از شخصیت‌های زیرین که جزء نیروهای انقلابی به شمار می‌روند و دارای گرایش‌های گوناگون سیاسی و عقیدتی هستند، در مرحله دوم انتخابات مجلس شورای ملی در تهران پشتیبانی می‌کند: دکتر کاظم سامی کرمانی، مسعود رجوی، سیدمحمدکاظم موسوی بجنوردی. در شهرستان‌ها نیز سازمان‌های حزبی به پیروی از همین سیاست اصولی، از کاندیداهای شایسته در مرحله دوم انتخابات پشتیبانی خواهند کرد.^{۶۷}

سازمان چریک‌های فدایی خلق نیز در شماره امروز ارگان خود (نشریه کار) اعلام کرد: «مردم

آگاه و مبارز ایران، سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران معتقد است در این شرایط حساس که میهنمان با تهدیدات و تجاوزات وسیع امپریالیستی و در رأس آن با دسیسه‌چینی‌های امپریالیسم امریکا مواجه است، موفقیت هریک از کاندیداهای ترقی‌خواه در انتخابات مجلس شورای ملی ایران، جبهه مبارزه علیه امپریالیسم امریکا، این دشمن اصلی خلق ما را تقویت خواهد کرد. بکوشیم با شرکت هرچه فعال‌تر در دور دوم انتخابات به‌جای کاندیداهای سازش‌کار لیبرال و افراطیون قشری، تا آنجا که ممکن است، کاندیداهای سازمان مجاهدین خلق ایران به مجلس راه یابند.^{۶۸}

حزب کارگران انقلابی* نیز اعلام کرد: «کاندیداهای کارگری ضدامپریالیستی از شرکت در انتخابات دور دوم منع شده‌اند و به‌غیر از کاندیداهای احزاب و گروه‌های سرمایه‌داری تعدادی از کاندیداهای سازمان مجاهدین خلق نیز شرکت دارند. حزب کارگران انقلابی در این دور از کاندیداهای مجاهدین حمایت انتقادی می‌نماید. ... علی‌رغم همه انتقادات به مجاهدین، رأی به کاندیداهای مجاهدین خلق رأی عدم اعتماد به سیاستمداران سرمایه‌داری و قدمی در راه تبلیغ و ترویج وسیع‌تر نیاز به اتخاذ سیاست مستقل طبقاتی است.»^{۶۹}

حزب رنجبران ایران (کمونیست‌های چینی سه‌جهانی طرف‌دار خط بنی‌صدر) نیز با انتشار اعلامیه‌ای کاندیداهای مورد حمایت خود در تهران را به این شرح معرفی کرد: «دکتر محمد مبلغی اسلامی، دکتر کاظم سامی، سیدفتح‌الله بنی‌صدر، یدالله سبحانی.»^{۷۰}

در این حال، دفتر هماهنگی همکاری‌های مردم با رئیس‌جمهور (گروه پوششی حامیان بنی‌صدر)، بدون ذکر نام و با آوردن علائمی، افزوده‌شدن مسعود رجوی به لیست رأی‌دهندگان حامی رئیس‌جمهور را به‌طور تلویحی خواستار شد. در اعلامیه این دفتر آمده است: «ما در این فهرست ۱۱ نفر را به شما معرفی کرده‌ایم؛ البته مسلم است که هر رأی‌دهنده باید ۱۲ اسم را انتخاب کند. در مورد دوازدهمین کاندیدای دفتر ما از شما دعوت می‌کنیم که با در نظر گرفتن ضرورت بسیج همه نیروی خود آن کسی را که شایسته‌تر می‌دانید انتخاب کنید. به امید فعالیت و کوشش شما و فردای روشن برای جمهوری اسلامی ایران.»^{۷۱}

۳۴۱

در کنار تحركات گروه‌های چپ غیرمذهبی در حمایت از مجاهدین خلق، نوع دیگری از فعالیت‌ها در حمایت از این سازمان وجود دارد که از نظر ارزشی و تأثیر بسیار مهم‌تر است. این نوع فعالیت، در سطح غیرعلنی از طریق ارتباطات مورد نظر تشکیلات و در قالب مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم با افراد سرشناس و مستعد از طریق واسطه‌تراشی‌هایی صورت می‌گیرد که سازمان مجاهدین خلق، در آن تبحر بسیار دارد. امروز، در مطبوعات جلوه‌هایی از نتایج این‌گونه

* حزب کارگران انقلابی، انشعابی از حزب کارگران سوسیالیست است که نشریه سوسیالیستی کارگر را منتشر می‌کرد.

تحركات بروز يافت. در شماره امروز با *ممداد* يك مطلب كه شكل آن بيشتر به رپرتاژ آگهي شباهت داشت درج شد كه قابل توجه است. اين مطلب با عنوان "حمایت شخصیت‌های سیاسی از مسعود رجوی"، حاوی ۴ اطلاعیه کوتاه است كه ۲ اطلاعیه آن چنین است:

«بسمه‌تعالی»

در این موقع كه ملت شرافتمند و قهرمان عزیز برای دور دوم انتخابات به پای صندوق‌ها می‌روند برای تأمین وحدت و حقوق گروه‌های اقلیت امیدوارم آقای مسعود رجوی كه معرف جناح پرشوری از جوانان باایمان می‌باشد نیز به مجلس راه یافته، موفق به همکاری صادقانه با گروه‌های با حسن نیت از طریق خدمت به خدا و خلق بشود.

«مهدی بازرگان» ۱۳۵۹/۲/۱۶

«به نام خدا»

مسعود رجوی مجاهد خستگی‌ناپذیر كه سال‌ها تجربه مبارزه با طاغوت و امپریالیزم را در راه حق و برای استقرار حكومت عدل و تقوی در زندان‌های ساواك از سر گذرانده است، با صدها هزار رأی مردم حق‌طلب تهران به دور دوم انتخابات مجلس شورای ملی راه یافته است، اکنون بر شما همشهریان مبارز است كه با رأی خود اعتماد قاطع خویش را به او برای ادامه مبارزه و دفاع از خواست‌های انقلابی مردم ایران در مجلس شورای ملی اعلام كنید.

دكتر علی اصغر حاج سید جوادی، مریم طالقانی، دكتر عبدالكريم لاهیجی، احمد علی بابایی، دكتر منوچهر هزارخانی، دكتر حسن توانایان فرد، جلال گنجه‌ای، دكتر سیف‌الله رضایی، محمد مدیرشانه‌چی، ابوذر ورداسپی، ابوالفضل میرشمس شهشهانی، حسین نایب حسینی.^{۷۲}

از سوی دیگر، برای مقابله با آثار منفی اعلام حمایت مذکور و نوع انتشار غیردقیق آن، آقایان عزت‌الله سبحایی، حسن حبیبی و محمد مهدی جعفری در روزنامه‌های عصر امروز، بدین نحو به توضیح جنبه‌های مثبت این اقدام پرداختند:

«بسمه‌تعالی»

چون در انتشار خبر و اطلاعیه آقای مهندس بازرگان درباره آقای مسعود رجوی از طرف بعضی از روزنامه‌ها تغییراتی داده شده است و رعایت امانت آن‌طور كه باید نشده است، خود را موظف می‌دانیم برای رفع سوء تفاهم‌هایی كه ایجاد گردیده است چند نکته مهم را ذكر كنیم.

اطلاعیه آقای مهندس بازرگان هر چند نفیاً و یا اثباتاً تأییدی از گروه یا حزب خاصی نمی‌كرد با علم به سوء تفاهم‌ها یا سوء استفاده‌های احتمالی بعضی از گروه‌ها صادر شد زیرا هدفش این بود كه قدمی در راه تحقق وحدت برداشته شود و در قلب‌هایی كه توطئه‌های دشمن تخم كینه كاشته است، دعوت به وحدت تخم محبت و دوستی بنشانند و امتی را كه افراط‌های چپ و راست قطعه‌قطعه کرده است دعوت به خدمت خدا و خلق پیوند دهد و در این راه دفاع از حقیقت يك وظیفه شرعی است كه مصلحت‌اندیشی و منافع فردی و گروهی را باید فدا كرد. به

اعتقاد ما راه یافتن آقای مسعود رجوی به مجلس قدمی در جهت رفع اختلافات و ایجاد تفاهم و وحدت بین نیروی مسلمان و کمک به تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی که خواست امام است می‌باشد و لذا مانع از تحریک و تخریب و تصادم در جامعه خواهد گردید. در ضمن بدون آنکه بخواهیم نفیاً یا اثباتاً درباره تفکرات و رویه سیاسی و اجتماعی ایشان اظهار نظری کرده باشیم این عمل فرصتی خواهد بود که ایشان از طریق بیان روشن پیشنهادات خود به طرز آزاد مسالمت‌آمیز همکاری خود را در راه بسیج و سازندگی جامعه نشان دهد و قضاوت را به عهده مردم گذارند. امیدواریم تذکرات فوق نشانگر کوششی برای وحدت باشد و گروه‌های تحریک‌شده را برای دست یافتن به حقیقت به صبر و تقوی دعوت کرده باشد.^{۷۳}

خود مهندس بازرگان نیز امروز اطلاعیه‌ای صادر کرد که در شماره امروز روزنامه *بامداد* درج شد و متن کامل آن بدین شرح است:

«بسمه تعالی

توضیح لازم: اطلاعیه‌ای که اینجانب روز گذشته، به منظور تعمیم وحدت و آرامش ملت داده بودم، متأسفانه در اثر انتخاب عناوین خاص و تغییراتی که بعضی از روزنامه‌ها داده‌اند، سوء تفاهم‌هایی را در اذهان هم‌وطنان عزیز به وجود آورده است.

لازم است توضیحاً اضافه نمایم که در آن اطلاعیه راجع به هیچ گروه سیاسی نفیاً یا اثباتاً تأییدی به میان نیامده و همچنین گفته نشده است به کسی رأی بدهید یا ندهید. آنچه علاقه‌مند بوده و هستیم و مصلحت انقلاب و مملکت می‌دانم این است که با انتخابات مجلس، جنجال‌ها و درگیری‌های خیابانی به خواست خدا خاتمه یافته، بگذاریم گروه‌های اقلیت سیاسی طرف‌دار قانون اساسی به تناسب جمعیت و طرف‌دارانشان نماینده به مجلس بفرستند تا نظریات و انتقادهای خود را آزادانه و با مسالمت ابراز دارند و در اثر حسن تفاهم و همکاری راهی برای خدمت به خدا و خلق باز شود.

تهران، ۱۳۵۹/۲/۱۷، مهدی بازرگان^{۷۴}

۳۴۲

از نظر بنی‌صدر، یکی از مبرم‌ترین اهداف برای شکل‌گیری دولت وقت، انتخاب نخست‌وزیر است، ولی در شرایطی که هنوز مجلس تشکیل نشده، این کار با چالش‌هایی قانونی روبه‌رو است که طبعاً می‌تواند مورد استفاده جناحی نیز قرار بگیرد، در نتیجه این مسئله موضوع مهمی است.

بنی‌صدر صبح امروز، در گفت‌وگوی اختصاصی با کیهان در پاسخ به این پرسش که «آقای دکتر حبیبی در گفت‌وگویی بر ضرورت معرفی هر چه زودتر نخست‌وزیر و هیئت وزیران تا قبل از گشایش مجلس تأکید کرده‌اند، شما در این مورد چه نظری دارید؟» گفت: «به نظر من معرفی نخست‌وزیر و هیئت وزیران بیش از گشایش مجلس ضرورت دارد و در این زمینه گفت‌وگوهای زیادی شده است.» وی در این مورد که آیا نظر رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران

در این باره کسب شده است، پاسخ داد: «البته این مسئله با تصویب امام انجام خواهد گرفت.»^{۷۵} این درحالی است که روز گذشته، بنی صدر نامه‌ای به امام خمینی نوشت و در قسمتی از آن درباره انتخاب نخست‌وزیر پیشنهادهایی ارائه داد. متن این نامه که البته چند روز بعد، مطبوعاتی شد چنین است:

«بسمه تعالی»

حضور مبارک حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران - دامت ظلّه العالی - نظر به اوضاع کشور و مقابله قاطع با توطئه‌ها و حوادث، ضروری دید براساس گفت‌وگوهای مفصلی که حاج احمد آقا به عرض می‌رسانند، خواهان سه امر بشوم:

۱. انتخاب نخست‌وزیر با تصویب امام.
۲. قوای انتظامی در اختیار و به دستور عمل کنند.
۳. دستگاه‌های تبلیغاتی باید برخلاف مصالح کشور و مخالف سیاست جمهوری اسلامی نباشد و آزادی آنان در حد قوانین اسلامی باید مراعات شود. اطمینان می‌دهد که با وجود همه مشکلات، در صورتی که وسایل کار در دسترس و به اختیار باشند، هیچ‌گونه خطری متوجه انقلاب اسلامی و کشور عزیز نخواهد شد.

ابوالحسن بنی‌صدر، ۱۳۵۹/۲/۱۶»^{۷۶}

یادآوری می‌شود امام خمینی امروز به نامه مذکور چنین پاسخ دادند:

«بسمه تعالی»

موافقت شد.

روح‌الله الموسوی الخمینی»^{۷۷}

امروز همچنین، دکتر بهشتی عضو شورای انقلاب و رئیس دیوان عالی کشور و دبیرکل حزب جمهوری اسلامی، در مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی هفتگی خود که با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی تشکیل شد، در زمینه کابینه‌ای که به زودی تشکیل خواهد شد، گفت: «به هر حال، ما باید سعی بکنیم همه‌مان که یک دولت نیرومند مورد اعتماد اکثریت نمایندگان مردم داشته باشیم، دولتی که بتواند با رئیس‌جمهور هم همکاری خوب داشته باشد و مورد اعتماد او هم باشد سعی خواهیم کرد یک چنین اعتماد مشترک را به وجود بیاوریم.»^{۷۸}

۳۴۳

امروز، اولین گردهمایی مهم بعد از تعطیلی دانشگاه‌ها، درباره انقلاب فرهنگی در دانشگاه ملی برگزار شد. در این گردهمایی بنی‌صدر رئیس‌جمهور، موسوی اردبیلی عضو شورای انقلاب و دادستان کل کشور، مهندس بازرگان و حسن حبیبی وزیر فرهنگ و آموزش عالی، به بیان دیدگاه‌های خود درباره انقلاب فرهنگی پرداختند.

بنی صدر گفت: «وقتی ملتی پذیرفت که توانایی ابتکار ندارد، قوه متفکره او نمی تواند ابداع کند و ابداع، ویژه و هوش برتر اروپایی است خودبه خود این چنین باوری آدمی را به تقلید کورکورانه از آنچه ابداع هوش برتر به وجود آورده است پیش می راند و آنهایی که می گفتند فرهنگ ما تا مغز استخوان باید غربی بشود، بر همین باور بودند. بنابراین اگر بخواهیم انقلاب فرهنگی کنیم، باید این ناباوری به خود و باور مطلق به هوش خلاق اروپایی را دگرگون سازیم و خود را به عنوان خلاق باور کنیم.»

آیت الله موسوی اردبیلی نیز گفت: «انقلاب فرهنگی یعنی آنچه از ما گرفته اند پس بگیریم و آنچه به صورت تحمیلی به ما داده اند، دور بریزیم. غرب در اصالت فرهنگی ما دخالت کرده و تازه ما را غربی نکرده بلکه آن چیزی که به ما داده است استعماری است و ما را از خود بیگانه کرده است. ما در جامعه خودمان این مسئله را با همه وجودمان حس می کنیم ما غربی فکر می کنیم، درس می خوانیم، می نویسیم، برنامه می ریزیم، غربی حزب درست می کنیم همه چیز غربی است ما باید تمام آنها را از بین ببریم.» وی افزود: «پس ما هم در کنار تمام خواهران و برادران دانشجوی و دانش آموزان، طرفدار جدی انقلاب فرهنگی هستیم آن انقلاب فرهنگی که همه چیز را زیور و می کند که همه مطالب ارزش های فرهنگی را که ریشه امپریالیستی دارد از بین برود و به فرهنگ اصیل اسلامی برگردد یعنی کار در کنار علم و علم در کنار عمل. انقلاب فرهنگی این نیست مدارس را به صورت سنتی بازگردانند بلکه باید با زیربنای اسلامی و دریچه دید اسلامی و آن فرهنگی که ابازرها، سلمان ها و عمارها را ساخت ما آن فرهنگ را می خواهیم بازگردانیم.»

مهندس بازرگان نیز در این گردهمایی گفت: «اولین نگرانی ما این است که دانشگاه ما طوری نباشد که دکتری تربیت کند که بالاخره بگوید برای معالجه بیماری به آمریکا یا اسرائیل بروید یا مهندسی که بگوید برای تعمیر اتومبیل یا هواپیما باید متخصص خارجی بیاورید و دانشگاه ما طوری نباشد که باز هم ما را محتاج خارج کنند.» وی با ذکر چند نکته، آخرین نگرانی مورد نظر خود را چنین ابراز کرد: «نگرانی چهارم این است که تعلیمات ما با انقلاب اسلامی ما هماهنگی نداشته باشد و جوان های ما را مکتبی و مبارز و معتقد به خدا بار نیاورد.»

حسن حبیبی نیز در سخنان خود گفت: «پس از انقلاب ۲۲ بهمن تاکنون، تغییراتی در چهره ظاهری جامعه ما رخ داده است، ولی این تغییرات ظاهری بدین معنی نیست که تغییرات در عمق نیز به همین نحو صورت گرفته باشد از جمله در نظام های ارزشی این تغییرات نه تنها به وجود نیامده است بلکه از جهاتی نیز علائم نگران کننده وجود دارد؛ مثلاً براساس اطلاعات دریافت شده زندگی مصرفی تغییر نکرده است یا در زمینه مسائل آموزشی در تمامی سال گذشته موضوعاتی از جمله تبدیل فوق دیپلم به لیسانس، یا تبدیل یک خانه به مدرسه و تأمین بودجه اش از سوی دولت مطرح می شد و این نشان می دهد که نظام ارزشی گذشته تغییر نکرده است و این امر خود می تواند موجب اصلی انقلاب فرهنگی باشد و این یکی از ضرورت های انقلاب است.»^{۷۹}

۳۴۴

پس از اینکه بانک مرکزی ایران اعلام کرد اسکناس‌های ده‌هزار ریالی با عکس شاه مخلوع، از تاریخ ۱۳۵۹/۲/۳۱، بی‌اعتبار خواهد بود،^{۸۱} سیل ورود این اسکناس‌ها از خارج از مرزها به ایران سرازیر شده است تا قبل از ابطال در داخل به مصرف برسد. این پدیده از ارزش هزار تومانی در خارج از کشور به‌عنوان یک ارز قابل‌اعتماد حکایت می‌کند و نیز اینکه وابستگان رژیم گذشته و فراریان از انقلاب، علاوه بر ارزهایی که در اختیار داشته‌اند، هرچه توانسته‌اند اسکناس هزار تومانی نیز خارج کرده‌اند. نمونه‌های متنوعی از این مسئله در گزارش‌هایی بدین شرح ارائه شده است:

- گزارش واصله امروز، به اطلاعات سپاه آبادان، بندر بوشهر و بندر عباس: «برابر اطلاعات موثق مقادیر بسیاری ارز از طریق کویت در حال ورود به کشور است که نمونه‌هایی از شیوه‌های ورود به قرار زیر است:

۱. پول‌های هزار تومانی را در بسته‌بندی‌های ضدآب قرار داده و آنها را داخل مشگ گذاشته و آن را باد کرده در آب‌ها رها می‌کنند. یک نفر به‌وسیله نی زیر آب می‌رود و مشک را به ساحل هدایت می‌نماید.

۲. به‌جای توتون سیگار وینستون اسکناس‌های هزار تومانی را لوله کرده و در بسته‌بندی‌های وینستون قرار می‌دهند.

۳. پول‌ها را در بسته‌بندی‌های ضدآب قرار داده و به زیر لنج می‌بندند.^{۸۱}

- گزارش امروز وزارت کشور به استانداری خوزستان: یک فروند لنج که در آن حدود هفتاد میلیون تومان در یک کمد جالباسی و چند قاب عکس جاسازی شده است، از کویت به‌طرف خرمشهر یا آبادان حرکت کرده است.^{۸۲}

- معاون هنگ ژاندارمری بوشهر: «افراد گارد ساحلی ژاندارمری بوشهر از دو فروند موتور لنج مبلغ ۳۰ میلیون و ۴۳۰ هزار ریال اسکناس ده‌هزار ریالی کشف و ضبط کردند. ... کلیه پول‌ها به‌اضافه سرنشینان موتور لنج تحویل دادسرای انقلاب اسلامی بوشهر شد.»^{۸۳}

- یک مقام دادستانی مستقر در فرودگاه مهرآباد: ساواکی‌های فراری در کشورهای کویت، بحرین، ...،* قطر و عربستان به حجاج و مسافران ایرانی اسکناس‌های هزار تومانی خود را به قیمت ۷۰۰ تا ۵۰۰ تومان می‌فروشنند. روز گذشته، در فرودگاه مهرآباد بازرسی از داخل جعبه‌های سیگار دانهیل دادالله اعلم یکی از کارمندان هواپیمایی سریلانکا که از طریق بحرین و با پرواز کویت وارد تهران شده بود، ۱۵۰ هزار تومان اسکناس‌های هزار تومانی به دست آمد.^{۸۴} امروز نیز حدود ۷۵۰ هزار تومان اسکناس هزار تومانی از مسافری که با یکی از پروازهای عربی وارد تهران شده بود به دست آمد.^{۸۵}

- گروهان ساحلی خسروآباد (آبادان): «از مسافرین ورودی پنج فروند موتور لنج ... مبلغ ۳ میلیون و ۸۳۴ هزار تومان اسکناس ده‌هزار ریالی کشف گردیده.»^{۸۶}

*... به جای کلمه‌ای ناخوانا آمده است.

• در جهت مقابله با این پدیده هشدادهای لازم به استانداری خوزستان^{۸۷} و سپاه‌های مناطق بندری^{۸۸} داده شد.

به همین مناسبت، شورای انقلاب، کمیسیون تخصصی برای این منظور تشکیل داده است که شب‌هنگام، جلسه‌ای برگزار کرد و در پایان آن علیرضا نوبری رئیس کل بانک مرکزی، خبر داد: «به‌منظور جلوگیری از قاچاق پول‌های هزار تومانی به‌مدت پانزده روز، از حرکت موتور لنج‌ها در آب‌های جنوب کشور جلوگیری به عمل می‌آید.» وی همچنین گفت: «لایحه مجازات قاچاقچیان ارز نیز امشب، به تصویب رسید که براساس آن برای قاچاقچیان پول مجازات‌های سنگینی در نظر گرفته شد.» نوبری افزود: «برای ایجاد تسهیلات جهت مسافرانی که قصد ورود به ایران را دارند ترتیبی داده شده تا این افراد همان مبلغ دوهزار تومان ارز مجاز را که برایشان در نظر گرفته شد به ایران وارد کنند.»^{۸۹}

منابع و مأخذ روزشمار ۱۳۵۹/۲/۱۷

۱. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۲/۱۸، ص ۴.
۲. سازمان مجاهدین خلق ایران، نشریه مجاهد، شماره ۵۸، ۱۳۵۹/۲/۱۷، صص ۱ و ۷.
۳. حزب کارگران سوسیالیست، هفته‌نامه کارگر، شماره ۵۷، ۱۳۵۹/۲/۱۷، ص ۲.
۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۱۷، ص ۴.
۵. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۵۰، ۱۳۵۹/۲/۱۸، ص ۱۱، بخش فارسی رادیو کلن، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۶. همان، ص ۶، بخش فارسی رادیو لندن، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۷. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۲/۱۷، ص ۱۳.
۸. روزنامه بامداد، ۱۳۵۹/۲/۱۸، صص ۱ و ۳.
۹. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۵۰، ۱۳۵۹/۲/۱۸، ص ۸، بخش عربی رادیو لندن، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۱۰. همان، ص ۳، کویت - خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۷ مه ۱۹۸۰.
۱۱. روزنامه بامداد، ۱۳۵۹/۲/۱۷، ص ۱۲.
۱۲. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۲/۱۸، ص ۱۰.
۱۳. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۵۰، ۱۳۵۹/۲/۱۸، ص ۱۵، بخش عربی رادیو بغداد، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۱۴. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۲/۲۰، ص ۲.
۱۵. سند شماره ۳۴۷۴۲۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از واحد هماهنگی نیروهای انتظامی به فرماندهی سپاه پاسداران اهواز، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۱۶. سند شماره ۳۳۹۷۹ - مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ژانجا (رکن ۲ - دایره اطلاعات) به دفتر ریاست جمهوری اسلامی ایران (رکن ۲)، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۱۷. سند شماره ۳۴۷۴۲۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از هنگ ژاندارمری آبادان به فرماندهی ناحیه اهواز، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۱۸. سند شماره ۲۸۷۲۲۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ۰۷ (رکن ۲) به فرماندهی ۱۹ - فرماندهی ۲۱ - ۰۷ (رکن ۲)، ۱۳۵۹/۳/۱۷.
۱۹. سند شماره ۰۰۰۶۸۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از منطقه سوم دریایی خرمشهر (عملیات و اطلاعات) به فرمانده گارد ساحلی، ۱۳۵۹/۲/۲۴.
۲۰. سند شماره ۳۳۹۸۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ژاندارمری جمهوری اسلامی (مرزبانی) به نخست‌وزیری (دفتر امور انقلاب)، ۱۳۵۹/۲/۲۰؛ و - سند شماره ۲۸۷۴۹۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از آبادان به رکن ۳ ژاندارمری کشور و رکن ۲ معاون اداری در امور مرزی، ۱۳۵۹/۲/۱۸.
۲۱. سند شماره ۲۹۲۴۴۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: بولتن خبری (وقایع خوزستان)، ۱۳۵۹/۲/۱۹، ص ۱.
۲۲. همان.
۲۳. همان.
۲۴. سند شماره ۳۴۷۴۲۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از واحد هماهنگی نیروهای انتظامی به فرماندهی سپاه پاسداران اهواز، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۲۵. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۲/۱۷، ص ۱.
۲۶. سند شماره ۰۴۱۲۳۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سماجا (مرکز فرماندهی) به نزاجا، ۱۳۵۹/۲/۲۲.
۲۷. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۲/۱۷، ص ۴.
۲۸. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد، بولتن بررسی روزانه مطبوعات، ۱۳۵۹/۲/۱۷، به نقل از فیگارو، ۲ مه ۱۹۸۰.
۲۹. سند شماره ۰۴۱۲۳۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین.
۳۰. سند شماره ۲۸۷۵۳۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ستاد لشکر ۹۲ زرهی (رکن ۲) به نزاجا (مدیریت اطلاعات)، ۱۳۵۹/۲/۱۳.
۳۱. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۵۰، ۱۳۵۹/۲/۱۸، ص ۵، بخش فارسی رادیو مسکو، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۳۲. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۲/۱۸، ص ۲.
۳۳. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۲/۱۷، ص ۲.
۳۴. سند شماره ۰۴۱۱۲۶ مرکز مطالعات و تحقیقات

۶۰. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۱۸، ص ۱۲.
۶۱. سند شماره ۴۱۱۳۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین؛ و - روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۲/۱۷، ص ۱.
۶۲. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۱۸، ص ۱۱.
۶۳. سند شماره ۴۱۱۳۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن گرام از عملیات کرمانشاه به عملیات مرکز، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۶۴. روزنامه بامداد، ۱۳۵۹/۲/۱۸، ص ۱.
۶۵. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۱۸، ص ۱۰.
۶۶. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۵۰، ۱۳۵۹/۲/۱۸، ص ۱۶، بخش فارسی رادیو صدای آمریکا، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۶۷. روزنامه نامه مردم، ۱۳۵۹/۲/۱۶، ص ۱.
۶۸. سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، هفته‌نامه کار، شماره ۵۷، ۱۳۵۹/۲/۱۷، ص ۳.
۶۹. حزب کارگران سوسیالیست، نشریه کارگر، ۱۳۵۹/۲/۱۰، ص ۴.
۷۰. روزنامه بامداد، ۱۳۵۹/۲/۱۷، ص ۳.
۷۱. روزنامه بامداد، ۱۳۵۹/۲/۱۳، ص ۲.
۷۲. روزنامه بامداد، ۱۳۵۹/۲/۱۷، ص ۹.
۷۳. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۲/۱۷، ص ۲.
۷۴. روزنامه بامداد، ۱۳۵۹/۲/۱۸، ص ۲.
۷۵. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۲/۱۷، ص ۲.
۷۶. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۲۰، ص ۲.
۷۷. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ع)، صحیفه امام (مجموعه آثار امام خمینی^(ع))، جلد ۱۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ع)، چاپ پنجم ۱۳۸۹، ص ۲۷۶.
۷۸. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۱۸، ص ۳.
۷۹. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۲/۱۸، ص ۱۰.
۸۰. سند شماره ۲۸۷۱۴۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ستاد لشکر ۹۲ زرهی (رکن ۲) به استانداری خوزستان، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۸۱. سند شماره ۴۲۴۵۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از اداره مرکزی اطلاعات و بررسی‌های سیاسی به اطلاعات سپاه آبادان - بندر بوشهر - بندرعباس، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۸۲. سند شماره ۲۸۷۸۰۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از وزارت کشور به استانداری خوزستان، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۸۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۱۸، ص ۵.
۸۴. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۲/۱۷، ص ۱۶.
۸۵. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۲/۱۸، ص ۹.
۸۶. سند شماره ۲۸۷۵۰۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از گارد ساحلی به ریاست رکن ۳ ژاندارمری، ۱۳۵۹/۲/۱۸.
۸۷. سند شماره ۲۸۷۱۵۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن گرام از وزارت کشور به استانداری خوزستان، ۱۳۵۹/۲/۱۶.
۸۸. سند شماره ۴۲۴۵۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین.
۸۹. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۱۸، ص ۱.
- جنگ: تلفن گرام از سماجا ۴ مرکز فرماندهی به نزاجا، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۳۵. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۲/۱۸، ص ۲.
۳۶. سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، هفته‌نامه کار، شماره ۵۸، ۱۳۵۹/۲/۲۴، ص ۴.
۳۷. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۲/۱۸، ص ۲.
۳۸. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۱۸، ص ۱.
۳۹. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۲/۱۷، ص ۲.
۴۰. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۲/۱۸، ص ۲.
۴۱. سند شماره ۴۱۱۴۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن گرام از سماجا ۳ (مرکز فرماندهی) به نزاجا، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۴۲. سند شماره ۴۱۱۵۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن گرام از سماجا (مرکز فرماندهی) به نزاجا، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۴۳. سند شماره ۴۱۱۶۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن گرام از سماجا ۳ (مرکز فرماندهی) به سپاه پاسداران، ۱۳۵۹/۲/۱۸.
۴۴. سند شماره ۴۱۱۶۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از همدان به تهران (عملیات)، ۱۳۵۹/۲/۱۸.
۴۵. سند شماره ۴۱۱۳۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن گرام از سپاه همدان به مرکز فرماندهی، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۴۶. سند شماره ۴۱۱۷۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن گرام از ژاجا (رکن ۳ - دایره عملیات) به دفتر ریاست جمهوری، ۱۳۵۹/۲/۱۸.
۴۷. سند شماره ۴۱۱۶۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از عملیات کرمانشاه به عملیات تهران، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۴۸. سند شماره ۴۱۱۴۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از عملیات شیراز به عملیات تهران، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۴۹. سند شماره ۰۵۷۵۰۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: مرکز بررسی مناطق ایران (منطقه ۳)، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۵۰. سند شماره ۴۱۱۹۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ژاجا (رکن ۳ - مرکز فرماندهی) به سماجا، ۱۳۵۹/۲/۱۹.
۵۱. سند شماره ۴۱۱۴۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن گرام از سماجا ۳ (مرکز فرماندهی) به سپاه پاسداران، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۵۲. سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، هفته‌نامه کار، شماره ۵۸، ۱۳۵۹/۲/۲۴، ص ۴.
۵۳. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۲/۱۸، ص ۹.
۵۴. سند شماره ۴۱۱۴۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سماجا (مرکز فرماندهی) به نزاجا، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۵۵. سند شماره ۴۱۱۴۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سماجا ۳ (مرکز فرماندهی) به نزاجا، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۵۶. سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، هفته‌نامه کار، شماره ۵۸، ۱۳۵۹/۲/۲۴، ص ۴.
۵۷. سند شماره ۴۱۱۴۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از عملیات تبریز به عملیات تهران، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۵۸. سند شماره ۴۱۱۳۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از مراغه به عملیات تهران، ۱۳۵۹/۲/۱۷.
۵۹. سند شماره ۴۱۱۲۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از مسئول پاسداران مستقر در بانه به مرکز فرماندهی (عملیات)، ۱۳۵۹/۲/۱۷.